

نماز نخستین پریشی است که در قیامت از فرد پرسیده میشود و تنها عبادتی است که سعادت و شقاوت انسان به انجام صحیح آن بستگی کامل دارد.

جایگاه نماز در قرآن

نماز، یاد خداست. در قرآن آمده است: «ادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ؛ مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم. (بقره: ۱۵۲) در این آیه خداوند با امر به یاد از او شرط این را که او نیز به یاد بنده باشد یاد کردن از او در این دنیا قرار داده است؛ یعنی اگر بنده ای بخواهد که خدا او را یاد کند باید او هم خدا را یاد کند: «أقم الصلاة لذكری برای یاد من نماز به پا دار». (طه: ۱۴) خداوند در آیه اول می فرماید مرا یاد کنید و در این آیه فرمان میدهد با نماز مرا یاد کنید از این رو نماز، یاد خداست و یاد خدا در این دنیا سبب می شود که خدا در هر دو جهان، بنده را یاد کند. آیات دیگری از قرآن این مطلب را به شکل دیگری بیان میکنند: وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا؛ و هر کس از یاد من روی بگرداند او را زندگی سخت و تنگی خواهد بود. (طه: ۱۲۴) اهل دوزخ در پاسخ به این پرسش که چه چیزی شما را در دوزخ انداخته است می گویند يَتَسَاءَلُونَ عَنِ الْمُجْرِمِينَ مَا سَلَكَكُمْ فِي سُمْرَ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ... ؛ اصحاب یمین) از گناه کاران می پرسند چه چیزی شما را در جهنم انداخت، گویند ما از نمازگزاران نبودیم. (مدثر: ۴۲)

جایگاه نماز در روایات

در روایت های معصومین علیهم السلام جایگاه نماز نسبت به عبادتهای دیگر مشخص شده است که در این قسمت تنها به برخی از آنها اشاره می کنیم.

ستون دین

روایت های زیادی در این باره نقل شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «الصلاة عماد الدين فَمَنْ تَرَكَ صَلَوَتَهُ مُتَعَمِدًا فَقَدْ هَدَمَ دِينَهُ؛ نماز ستون دین است. پس هر کس نمازش را به عمد ترک کند بی گمان، دین خود را نابود کرده است. 1 حضرت علی علیه السلام می فرماید: الله، الله في الصلاة فإنها عمود دينكم؛ از خدا بترسید از خدا بترسید درباره نماز که ستون دین شماست. 2 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: الموضع الصلاة من الدين كموضع الرأس من الجسد؛ جایگاه نماز در دین همانند جایگاه سر در جسد است. 3

نشانه دین داری

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «عَلَّمَ الإسلام الصلاة؛ نماز، پرچم اسلام است»⁴.

برترین عبادت

امام رضا علیه السلام می فرماید: «ان الصلاة أفضل العباده لله وَ هِيَ أَحْسَنُ ضُورِهِ خَلَقَهَا اللهُ؛ نماز برترین عبادت برای خداوند است و آن بهترین صورتی است که خداوند آفریده است. 5 چهار - محبوب ترین عمل نزد خداوند امام علی علیه السلام می فرماید: «لیس عمل احب الی الله عز و جل من الصلاة؛ عملی محبوب تر از نماز برای خداوند عز و جل وجود ندارد. 6

جایگاه نماز در سخن امام خمینی رحمه الله

امام خمینی رحمه الله در کتاب آداب الصلاة می فرماید: خصوصاً نماز که سمت جامعیت دارد و منزله آن در عبادات منزله انسان کامل است و منزله اسم اعظم، بلکه خود اسم اعظم است. نماز در بین عبادتها عبادت جامع است؛ زیرا شامل اقسام گوناگون عبادتها است را از جامعیت نماز را می توان از این کلام پیامبر دریافت که می فرماید: بالصلاة يَتَلَعُّ الْعَبْدُ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا لِأَنَّ الصَّلَاةَ تَسْبِيحٌ وَ تَهْلِيلٌ وَ تَحْمِيدٌ وَ تَكْبِيرٌ وَ تَمْجِيدٌ وَ تَقْدِيسٌ وَ قَوْلٌ وَ دَعْوَةٌ. به وسیله نماز بنده به درجه والا نزد خدا می رسد؛ زیرا نماز هم تسبیح است و هم تهلیل و هم تحمید و هم تکبیر و هم تمجید و هم تقدیس و هم گفتار و هم دعوت (دعا و درخواست).

فلسفه نماز از دیدگاه پیشوایان دینی

امامان معصوم علیهم السلام درباره فلسفه تشریح نماز و دلایل واجب بودن آن در دین مواردی را ذکر کرده اند که به برخی از آنها اشاره می شود:

1 - محمد محمدی ری شهری میزان الحکمه، ج ۵، ص ۴۰۲
2 - نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، رسائل، شماره ۴۷، ص ۹۷۸
3 - ابوالقاسم پاینده نهج الفصاحه، ص ۶۲۴
4 - کنزالاعمال، ج 79
5 - بحار الانوار، ج ۸۱ ص ۳۷۹، باب آداب الصلاة.
6 میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۱۲۸

اقرار به ربوبیت و اظهار عجز و خضوع و اعتراف

امام رضا علیه السلام در مورد علت واجب بودن نماز می فرماید:

إِنَّ عِلَّةَ الصَّلَاةِ إِنَّهَا إِقْرَارُ بِالرَّبُوبِيَّةِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ خَلْعُ الْأَنْدَادِ وَ قِيَامُ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ جَلَّ جَلَالُهُ بِالذُّلِّ وَ الْمُسْكِنَةِ وَ الْخُضُوعِ وَالْإِعْتِرَافِ وَ الطَّلَبِ لِلآقَالِهِ مِنْ سَالِفِ الذُّنُوبِ وَ وَضْعُ الْوَجْهِ عَلَى الْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ أَغْظَامًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ 7

علت (وجوب) نماز این است که نماز اقرار به پروردگاری حق تعالی عز و جل و نفی شریک برای اوست) و ایستادن در مقابل خداوند جبار با خوارگی و بیچارگی و خضوع و اعتراف و تقاضای بخشش گناهان گذشته و گذاشتن صورت بر زمین (خاک) در هر روز برای بزرگداشت و تعظیم مقام خدای عزوجل است.

مداومت بر ذکر حق و فراموش نکردن او

امام رضا علیه السلام درباره فلسفه نماز می فرماید: و أَنْ يَكُونَ ذَاكِرًا غَيْرِ نَاسٍ وَ لَا يَبْطُرُ وَ يَكُونُ خَاشِعًا مُتَذَكِّرًا رَاغِبًا لِلزِّيَادَةِ فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْإِجَابِ وَ الْمَدَاوِمَةِ عَلَى ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لِيَلَّا يُنْسَى الْعَبْدُ سَيِّدَهُ وَ مُدَبِّرَهُ وَ خَالِقَهُ فَيَنْطَرُ وَ يَطْعَى وَ يَكُونُ فِي ذِكْرِهِ لِرَبِّهِ وَ قِيَامِهِ بَيْنَ يَدَيْهِ زَاجِرًا لَهُ عَنِ الْمَعَاصِي وَ مَانِعًا لَهُ عَنْ أَنْوَاعِ الْفَسَادِ. 8

و اینکه بنده به یاد خالق خویش باشد و غافل و سرکش نباشد و اینکه خاشع و ذلیل و جویای زیادی در دین و دنیا باشد و آنکه ذکر حق عز و جل و مداومت بر آن در شب و روز واجب است تا مبدا بنده آقای خویش و تدبیر کننده و خالقش را فراموش کند که در نتیجه آن به سرکشی و طغیان در افتد و در یاد کردن پروردگارش و ایستادن در مقابل او مانع و بازدارنده ای از انواع فساد، برای بنده باشد.

جلوگیری از کبر و غرور

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید:

فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيرًا مِنَ الشَّرِكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهًِا عَنِ الْكِبَرِ. 9 خداوند ایمان را برای پاک شدن از شرک و نماز را به منظور دور کردن بندگان از کبر واجب کرد.

فاطمه زهرا علیها السلام در خطبه مشهور خود می فرماید: افرض الله الصلاة تنزيها عن الكبر؛ خداوند، نماز را برای پاک شدن از کبر قرار داده. 10

سپاس گزاری از صاحب نعمت

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

الحمد لله الذي لو حبس عن عباده معرفته حمده على ما أبلأهم من منته المتتابعه وأشبع عليهم من نعمه المتظاهره، لتصرفوا في منته قلم يحمدوه، و توسعوا في رزقه فلم يشكروه، ولو كانوا كذلك لخرجوا من حدود الإنسانية إلى حد البهيمية فكانوا كما وصف في محكم كتابه: إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا 11

سپاس خدایی را که اگر شناخت حمد و سپاس خویش را بر آنچه از نعمت های پی در پی خود بر بندگان خویش عطا کرده و از نعمت های آشکاری که بر آنها گسترده است از آنها مخفی می داشت و بر این حمد گفتن آگاهشان نمی کرد بدون شک از نعمت های او استفاده کرده و سپاس گزاری اش نمی کردند و از روزی او استفاده بسیار کرده و شکرش نمی گفتند. در این صورت قطعا از حدود انسانیت خارج و در حد حیوان بودن داخل می گشتند؛ چنان که در کتاب خود فرموده است: آنان مگر همانند حیواناتی بیش نیستند بلکه این گونه افراد گمراه ترند.

حقوق نماز بر نمازگزار

بر اساس گفتار و بیان ائمه دین همان گونه که نماز نمازگزار را از فحشا و بدی باز میدارد همین طور هم حقوقی بر او پیدا می کند که رعایت حق او لازم است. از امام سجاد علیه السلام در این باره روایت شده است.

عن محمد بن يعقوب باسناده إلى مولانا زين العابدين عليه السلام أنه قال: فَأَمَّا حَقُوقُ الصَّلَاةِ، فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهَا وَقَادَهُ إِلَى اللَّهِ وَ أَنْكَ فِيهَا قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ كُنْتَ خَلِيفًا أَنْ تَقُومَ فِيهَا مَقَامَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ الرَّاعِبِ الرَّاهِبِ الْخَائِفِ الرَّاجِيِ الْمُشْتَكِيِ الْمُتَضَرِّعِ الْمُعْظَمِ مَقَامَ مَنْ يَقُومُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِالسُّكُونِ وَ الْوَقَارِ وَ حُشُوعِ الْأَطْرَافِ وَلِينِ الْجَنَاحِ وَ حُسْنِ الْمُنَاجَاةِ لَهُ فِي نَفْسِهِ وَ الطَّلَبِ إِلَيْهِ فِي فَكَاكِ رَقِيَّتِهِ الَّتِي أَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ وَ اسْتَهْلَكَتْهَا ذُنُوبُهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ 12

اما حقوق نماز که باید رعایت شود عبارت از این است که بدانی نماز ورود به محضر خداست و بدانی که به هنگام نماز در پیشگاه خدا ایستاده ای چون این را دانستی شایسته خواهی بود که به نماز بایستی آن گونه که بنده ذلیل، طالب و راغب بیمناک از عذاب خدا امیدوار به رحمت خدا در مانده و زار به نماز می ایستد که با آرامش و وقار، خشوع در اعضا و جوارح، فروتنی و با مناجات نیکو و با طلب رهایی نفس خود که خطیاییش او را فرا گرفته و گناهانش او را هلاک ساخته، مقام آن را که در پیشگاهش ایستاده بزرگ میدارد و هیچ نیرویی جز از خدا نیست.

نماز و ادیان الهی

7 صدوق، خصال، تحقیق علی اکبر غفاری، ص ۵۲۵، ح ۱۱

8 - شیخ محمد بن الحسن حر العاملی، وسائل الشیعه، تصحیح و تحقیق شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳. ق، ج ۵، ح ۳، ص ۴. ن

9 نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۱۱۹۷، حکمت ۲۴۴

10 میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۷۵

11 صحیفه کامله سجادیه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، دعای یکم، ص ۳۱.

12 بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۸۰ باب آداب الصلاة در کتاب رساله الحقوق امام سجاد علیه السلام با اندکی تفاوت آمده است.

بنا به نص آیات قرآن نماز عبادتی است که در آغاز نبوت حضرت آدم علیه السلام از سوی خداوند بر انسان واجب شده است و تمام انبیای الهی نیز بدان عمل می کرده اند ولی چگونگی و شکل ظاهری آن دقیقاً معلوم نیست. آنچه مهم است ویژگی نماز در نهی از فحشا و منکر و رساندن بنده به معراج و مقام قرب الهی است که همواره در ادیان مختلف الهی مورد توجه بوده است. در آیات متعددی از قرآن کریم به وجود نماز در دیگر ادیان الهی اشاره شده است. نخست حدیثی از امام صادق علیه السلام در این باره نقل می شود. أَحِبُّ الْأَعْمَالَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الصَّلَاةَ وَ هِيَ آخِرُ وَصَايَا الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.¹³ محبوب ترین کارها نزد خدای عز و جل نماز است و آن آخرین سفارشهای پیامبران علیهم السلام است. برخی از آیاتی که به وجود نماز در ادیان دیگر الهی دلالت دارند، به شرح ذیل است:

حضرت ابراهیم علیه السلام و نماز

قرآن در آیاتی از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام چنین می فرماید: رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ دَرْتِينِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي رِزْقٍ عِنْدَ نَبِيِّكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ. (ابراهیم: ۳۷). ای پروردگار ما من ذریه خویش را در سرزمینی غیر قابل کشت در نزد خانه حرمت یافته ات سکونت دادم تا نماز به پا دارند. رَبِّ اجْعَلْنِي مَقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ دَرْتِينِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءَ. (ابراهیم: ۴۰) پروردگار مرا و ذریه مرا به پا دارنده نماز قرار ده و دعای ما را بپذیر

حضرت اسماعیل علیه السلام و نماز

قرآن یکی از ویژگیهای حضرت اسماعیل علیه السلام را امر مدام به نماز ذکر می کند: وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ. (مریم: ۵۴ و ۵۵) و در کتاب (قرآن) یادآور اسماعیل را که او وفا کننده به عهد و فرستاده ای نبی خبر رسان بود و همیشه اهل خود را به نماز و زکات فرمان می داد.

حضرت اسحاق و یعقوب علیهما السلام و نماز

هنگامی که قرآن درباره حضرت اسحاق و یعقوب علیهما السلام سخن میگوید به این نکته اشاره دارد که ما (خداوند) بر آن پیامبران فعل خیر و اقامه نماز را وحی کردیم وَ وَهَبْنَا لَهُ اِسْحَاقَ وَ يُعْقُوبَ نَافِلَةً وَ كَلَّمَا جَعَلْنَا صَالِحِينَ وَ جَعَلْنَاهُمْ اَئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَ اَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فَعَلِ الْخَيْرَاتِ وَ اِقَامَ الصَّلَاةَ وَ اِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ. (انبیاء: ۷۲ و ۷۳) و به او اسحاق و یعقوب فرزند زاده اش را عطا کردیم و تمام آنها را نیکان قرار دادیم و آنان را ائمه ای قرار دادیم که به امر ما هدایت می کردند و بر آنها انجام اعمال خیر و بر پا داشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان (نیز) برای ما بندگانی عبادت کننده بودند.

حضرت شعیب علیه السلام و نماز

بنا به نص قرآن حضرت شعیب علیه السلام نیز نماز را به قوم خویش ابلاغ کرده است: قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصْلَابُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتَّزِكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ (هود: ۸۷) گفتند: ای شعیب آیا نمازت تو را فرمان میدهد که ما آنچه را که پدرانمان می پرستیدند ترک کنیم با آن گونه که می خواهیم در اموالمان تصرف نماییم.

حضرت موسی علیه السلام و نماز

هنگامی که حضرت موسی علیه السلام به پیامبری برگزیده شد اولین فرمان الهی که به آن حضرت ابلاغ شد، اقامه نماز بود: فَلَمَّا أَنَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا رَبُّكَ ... فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَ اَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (طه: ۱۱ - ۱۴) تو پس چون موسی نزد آن آتش آمد، ندا داده شد که ای موسی من همان پروردگار هستم... پس به آنچه که بر تو وحی می شود گوش فرا ده که من الله هستم و جز من خدایی نیست پس مرا عبادت کن و نماز را برای ذکر و یاد من به پا دار.

لقمان و نماز

لقمان در مورد نماز و امر به معروف و نهی از منکر به فرزند خود چنین سفارش می کند يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ اْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اِنهَ عَنِ الْمُنْكَرِ. (لقمان: ۱۷)

همچنین قرآن در مورد نمازگزار بودن زکریا علیه السلام می فرماید: فَتَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَ هُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ. (آل عمران: ۳۹) ای فرزندان نماز را به پا دار و امر به معروف و نهی از منکر نما

حضرت زکریا علیه السلام و نماز

پس فرشتگان او را ندا دادند در حالی که او در محراب به نماز ایستاده بود.

حضرت عیسی علیه السلام و نماز

هنگامی که حضرت عیسی علیه السلام طفلی در گهواره بود به مردمان خبر داد که خداوند مرا پیامبر قرار داده و به نماز سفارش کرده است.

قَالَ لِي عَبْدُ اللَّهِ أَنِّي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا وَ جَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيَّنَّ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ. (مریم: ۳۰ و ۳۱) (عیسی)
گفت: من بنده خدا هستم (او) مرا کتاب داده و پیامبر قرار داده است و هر کجا باشم مرا مبارک قرار داده و به نماز و زکات سفارش کرده است.

بنا بر آنچه گفته شد، صلاة یا نماز یک حکم واجب الهی در همه ادیان بوده است و همه اقوام انبیای الهی موظف به انجام فریضه نماز بوده اند:

و هنگامی که ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مسکینان نیکی کنید و با مردم نیکو صحبت کنید و نماز به پا دارید و زکات بدهید سپس شما سرباز زدید. (بقره: ۸۳)
اما اهمیت نماز در دین اسلام نسبت به دیگر ادیان الهی را باید همانند شان پیامبر و قرآن در میان پیامبران و کتاب های آنها دانست.

نماز و موجودات دیگر

قرآن کتابی است که کلمات آن بیانگر اسرار هستی است. یکی از مسائل قابل توجه در آن مسئله تسبیح موجودات و اشیاست. با توجه به اینکه تسبیح و عبادت موجودات بر حیات آنها استوار است پس تمام موجودات دارای نوعی حیات در حد اقتضای وجود خود هستند و این مسئله در علوم عقلی و عرفانی اسلام امری اثبات شده است.

امام خمینی رحمه الله در مقام استاد برجسته در علوم برهانی و عرفانی در مورد تسبیح موجودات میفرماید:

... در مدارک ائمه برهان و قلوب اصحاب عرفان به ظهور پیوسته که تمام دائره وجود - بملکها و ملکوتها و قصها و قضیضها حیات شعوری ادراکی حیوانی بل انسانی دارند و حامد و مسبح حق تعالی از روی استشعار و ادراکند و در فطرت تمام موجودات - خصوصا نوع انسانی - خضوع در پیشگاه مقدس کامل و جمیل علی الاطلاق ثبت و ناصیه آنها در آستانه قدسش بر خاک است.^{۱۴}
نظر قرآن در این باره قابل توجه است:

دیگر جنبندگان گروه هایی همانند شما هستند:

و ما مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ. (انعام: ۳۸) و هیچ جنبنده ای در زمین و پرنده ای که با دو بالش پرواز میکند نیست مگر اینکه امت هایی مانند شما هستند.

هر یک از موجودات به نماز و تسبیح خود آگاهند:

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ الطَّيْرُ صَافَاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ. (نور: ۴۱)
آیا نمی بینی که هر چه در آسمانها و زمین است و پرنده بال گشوده همگی خدا را تسبیح می گویند و هر کدام نماز و تسبیح خویش را می داند و خداوند به آنچه انجام می دهند، آگاه است.

در این آیه از واژه «صلاه در مورد موجودات استفاده شده است.

تمام اشیا و موجودات و تمام عوالم هستی و آسمانهای هفت گانه و زمین و هر آنچه در آنها است، همگی خداوند را تسبیح می گویند: تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ وَ إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ. (اسراء: ۴۴)
آسمان های هفت گانه و زمین و هر چه در آنهاست خدا را تسبیح می گویند و هیچ چیزی وجود ندارد مگر اینکه او را تسبیح می گوید، ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید.

همچنین آیات دیگری نیز به شعور عالم هستی و تسبیح موجودات اشاره دارند، از جمله:

وَ لِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ هُمْ لَا يَشْتَكِرُونَ. (نحل: ۴۹)

و آنچه در آسمانها و زمین جنبنده وجود دارد و نیز فرشتگان برای خدا سجده میکنند و از این کار سرپیچی و تکبر نمی کنند.

سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُودَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَ الطَّيْرَ وَ كُنَّا فَاعِلِينَ (انبیاء: ۷۹)

پرنده و کوه ها را مسخره کردیم که با داود تسبیح گویند و ما انجام دهنده بودیم.

وَ النَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ. (رحمن: ۶) و ستاره و درخت او را سجده می کنند.

بنابراین تمام هستی به تسبیح خالق خود مشغولند ولی ما این تسبیح و نماز آنان را درک نمی کنیم، چنان که در آیه ۴۴ سوره اسراء نیز بدان تأکید شده است.

مفسران درباره چگونگی تسبیح و نماز موجودات اختلاف دارند؛ گروهی به تکوینی بودن تسبیح آنان معتقدند، ولی برخی مانند امام خمینی رحمه الله بر شعوری بودن و تسبیح آگاهانه نطقی اعتقاد دارند.

در اینجا به نظر امام خمینی رحمه الله که گویای وجود آرا و اختلاف نظر مفسران است، اشاره می شود:

بدان که از برای جمیع موجودات حظ بلکه حظوظی از عالم غیب که حیات محض است میباشد و حیات ساری در تمام دار وجود است و این مطلب نزد ارباب فلسفه عالی با برهان و نزد اصحاب قلوب و معرفت به مشاهده و عیان، ثابت است و آیات شریفه الهیه و اخبار اولیای وحی علیهم الصلاه والسلام دلالت نام تمام بر آن دارد.

و محجوبین از اهل فلسفه عامیه و اهل ظاهر که نطق موجودات را نیافته اند به تأویل و توجیه پرداخته اند و عجب آن است که اهل ظاهر که به اهل فلسفه طعن زنند که تأویل کتاب خدا کنند به حسب عقل خود در این موارد خود تأویل این همه آیات صریحه و احادیث صحیحه کنند؛ به مجرد آنکه نطق موجودات را نیافته اند با آنکه برهانی در دست ندارند، پس تأویل قرآن را بی برهان و به مجرد استبعاد کنند.

بالجمله، دار وجود اصل حیات و حقیقت علم و شعور است و تسبیح موجودات تسبیح نطقی شعوری ارادی است؛ نه تکوینی ذاتی که محجوبان گویند و تمام آنها به حسب حظی که از وجود دارند به مقام باری جلت عظمته معرفت دارند.¹⁵

۹ آداب و اسرار نماز

اجتماع و زندگی اجتماعی انسان اقتضای خلقت و طبع مدنی و اجتماعی اوست؛ به گونه ای که نه نوع انسان قادر به زندگی غیر اجتماعی و بریده از دیگران است و نه شرع و دستورهای الهی به او اجازه چنین عملی می دهد. ساده ترین شکل اجتماع هم نشینی است که در آموزه های اسلامی بدان توجه شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

الوحدة خیر من جلیس السوءِ وَ الْجَلِیسُ الصَّالِحُ خَیْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ¹⁶

تنهایی بهتر از هم نشین بد است و هم نشین نیکوکار بهتر از تنهایی است.

مسئله مهم در زندگی اجتماعی و ارتباط با دیگران مسئله رعایت آداب و رسوم است؛ یعنی رعایت مسائلی که انجام یا ترک آن ضروری است و نشان عقل و شخصیت انسان به شمار میرود به حکم عقل رعایت آداب در ارتباط با دیگران به تناسب میزان اعتبار و جایگاه طرف مقابل بسیار ضروری است و این مسئله در زندگی روزانه قابل درک است. برای مثال، در دیدار یک پادشاه و یا یک مسئول بلند پایه از لحاظ ظاهری و رفتاری ادب لازم را رعایت میکنیم در شرع مقدس و احادیث، دو گونه ادب به نمازگزاران توصیه شده است که رعایت آنها به رشد و کمال انسانی و تأثیر گذار بودن نماز خواهد انجامید و رعایت نکردن آن محرومیت از لطف الهی را به همراه خواهد داشت.

ابدان که از برای نماز غیر از این صورت معنایی است و غیر از این ظاهر باطنی است و چنانچه ظاهر را آدابی است که مراعات نمودن آنها موجب بطلان نماز صوری یا نقصان آن گردد همین طور از برای باطن آدابی است قلبیه باطنیه که با مراعات نمودن آنها نماز معنوی را بطلان یا نقصان دست دهد چنانچه با مراعات آنها نماز دارای روح ملکوتی شود.¹⁷

آداب نماز دو گونه است آداب ظاهری و آداب باطنی نماز هم مثل انسان دارای ظاهر و باطن است و انسانیت انسان براساس نماز و نماز انسان بر اساس انسانیت او محقق میگردد. امام خمینی رحمه الله درباره رابطه نماز با انسانیت انسان می فرماید:

بالجمله از برای نماز مقامات و مراتبی است که در هر مرتبه ای که مصلی است نمازش با مرتبه دیگر بسیار فرق دارد، چنانچه مقامش با مقامات دیگر خیلی فرق دارد پس مادامی که انسان صورت انسان و انسان صوری است نماز او نیز نماز صوری است و فایده آن نماز فقط صحت و اجزای صوری فقهی است... و اگر از مرتبه ظاهر به باطن و از صورت به معنی پی برد تا هر مرتبه ای که محقق شود نماز او نیز حقیقت پیدا می کند.....

پس مادامی که نماز انسان صورت نماز است و به مرتبه باطن و سر آن نرسیده انسان متحقق نشده انسان نیز صورت انسان است و به حقیقت آن محقق نگردیده پس میزان در کمال انسانیت و حقیقت آن عروج به معراج حقیقی و صعود به اوج کمال و وصول به باب الله با مرقات نماز است.¹⁸

در این قسمت مختصری از آداب عبادت و نماز از زبان امامان معصوم علیهم السلام و نیز اهل نماز حقیقی، به ویژه امام خمینی رحمه الله بیان می شود:

امام خمینی رحمه الله در آداب عمومی عبادت به ویژه نماز می فرماید

الف) ادب ذلت خود در برابر عزت خدا

یکی از آداب قلبیه در عبادت و وظایف باطنیه سالک طریق آخرت توجه به عز ربوبیت و ذل عبودیت است.¹⁹ پس سالک الی الله را ضرور است که به مقام ذل خود پی برد و نصب العین او ذلت عبودیت و عزت ربوبیت باشد.²⁰

بنابراین نمازگزار باید به هنگام عبادت ناچیزی و ضعیف بودن خود را در مقابل عظمت بی انتهای خالق خویش به یاد آورد تا از حجاب خودبینی بیرون آید تا انسان را نظر به خویشستن و کمال و جمال متوهم خود است از جمال مطلق و کمال صرف محجوب و مهجور است و اول شرط سلوک الی الله خروج از این منزل است بلکه میزان در ریاضت حق و باطل همین است.²¹

حاصل این ادب در نماز خشوع است یکی از اموری که برای سالک در جمیع عبادت خصوصاً نماز که سرآمد همه عبادات است و مقام جامعیت دارد لازم است خشوع است و حقیقت آن عبارت است از خضوع تام ممزوج با حب یا خوف.²² اگر قلب از قلوب شوقی باشد، خضوع در عین حب اوست و ناشی از هیبت و عظمت و سطوت جمال حق است و اگر قلب خوفی باشد، خضوع او ناشی از ادراک عظمت و کبریا و جلال حق است.

ب) ادب طمأنینه

او از آداب مهمه قلبیه عبادات، خصوصاً عبادات ذکریه طمأنینه است و آن غیر از طمأنینه ای است که فقها رضوان الله علیهم در خصوص نماز اعتبار کرده اند و آن عبارت است از آنکه شخص سالک عبادت را از روی سکونت قلب و اطمینان خاطر به جا آورد؛ زیرا که اگر عبادت را با حال

15 آداب الصلاة، صص ۲۵۵ و ۲۵۶

16 نهج الفصاحه، صص ۶۴۳

17 آداب الصلاة، صص ۲

18 امام خمینی، اسرار نماز یا معراج السالکین و صلاه العارفين، صص ۷

19 آداب الصلاة، صص ۷

20 آداب الصلاة، صص ۹

21 آداب الصلاة، صص ۸

22 آداب الصلاة، صص ۱۳

اضطراب قلب و تزلزل به جا آورد قلب از آن عبادت منفعل نشود و آثاری از عبادت در ملکوت قلب حاصل نشود و حقیقت عبادت صورت باطنیه قلب نگردد.²³

در اول امر که زبان قلب گویا نشده سالک راه آخرت باید آن را تعلیم دهد و با طمأنینه و سکونت، ذکر را به آن القا کند. همین که زبان قلب باز شد قلب قبله لسان و سایر اعضا میشود با ذکر آن همه مملکت وجود انسانی ذاکر گردد و ولی اگر این ذکر شریف را بی سکونت قلب و طمأنینه آن و با عجله و اضطراب و اختلال حواس گفت از آن در قلب اثری حاصل نشود و از حد زبان و گوش حیوانی ظاهری به باطن و سمع انسانی نرسد....²⁴

ادب محافظت عبادت از تصرف شیطان (اخلاص داشتن)

امام خمینی رحمه الله این ادب را از اصولی ترین و مهم ترین آداب قلبی دانسته و به آیه او الذین هم علی صلواتهم یحافظون مؤمنون (۹) استناد می کند

و خلوص از تصرف شیطان که مقدمه اخلاص است به حقیقت حاصل نشود؛ مگر آنکه سالک در سلوکش خداخواه شود و خودخواهی و خود پرستی را که منشأ تمام مفاسد و ام الامراض باطن است، زیر پا نهد.²⁵ پس بر سالک طریق آخرت لازم و حتم است که... با کمال دقت و تفتیش در حرکات و سکنتات و طلب و مطلوب خود غور کند... و از حیل های نفس و شیطان غفلت نکند و از دامهای نفس اماره و ابلیس غافل نشود و در جمیع حرکات و افعال سوء ظن کامل به خود داشته باشد و هیچ گاه آن را سرخود و رها نکند...²⁶

ادب نشاط و بهجت

و دیگر از آداب قلبیه نماز و سایر عبادات که موجب نتایج نیکویی است بلکه باعث فتح بعضی از ابواب و کشف بعضی از اسرار عبادات است آن است که سالک جدیت کند که عبادت را از روی نشاط و بهجت قلب و فرح و انبساط خاطر به جا آورد و از کسالت و ادبار نفس در وقت عبادت احتراز شدید کند. پس وقتی را که برای عبادت انتخاب می کند، وقتی باشد که نفس را به عبادت اقبال است و دارای نشاط و تازگی است و خستگی و فتور ندارد؛ زیرا اگر نفس را در اوقات کسالت و خستگی وادار به عبادت کند ممکن است آثار بدی به آن مترتب شود که از جمله آنها آن است که انسان از عبادت منزجر شود...²⁷

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که می فرماید:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله یا علی، إن هذا الدین متین، فأوغل فیہ برفق ولا تُبعضُ إلی نفسک عبادة ربک.²⁸ ای علی این دین متین و استوار است با رفق و مدارا در آن گام نه و پرستش پروردگارت را مبعوض خود مکن همچنین امام حسن عسکری علیه السلام که می فرماید: هنگامی که قلوب نشاط و بهجت دارند به آنها امانت بسپارید و وقتی که گریزانند آنها را واگذارید. امام خمینی رحمه الله با اشاره به حدیث می فرماید: إذا نشطت القلوب فأودعوها و إذا نقرت فودعوها²⁹

و از این احادیث و احادیث دیگر استفاده ادب دیگر شود که آن نیز از مهمات باب ریاضت است و آن عبارت از مراعات است و آن چنان است که سالک در هر مرتبه که هست چه در ریاضات و مجاهدات علمیه یا نفسانیه با عملیه، مراعات حال خود را بکند و با رفق و مدارا با نفس رفتار نماید و زائد بر طاقت و حالت خود تحمیل آن نکند خصوصاً برای جوان ها و تازه کارها این مطلب از مهمات است...³⁰

ادب تفهیم

یک از آداب قلبیه عبادات، خصوصاً عبادات ذکریه تفهیم است و آن چنان است که انسان قلب خود را در ابتدای امر چون طفلی پندارد که زبان باز نکرده و آن را می خواهد تعلیم دهد.³¹

ادب حضور قلب

یکی از مهمات آداب قلبیه که شاید کثیری از آداب مقدمه آن باشد و عبادت را بدون آن روح و روانی نیست... و در احادیث شریفه از کمتر چیزی این قدر ذکر شده و به کمتر ادبی این قدر اهمیت داده شده حضور قلب است.³²

در احادیث و آیات قرآن ادب حضور قلب مهم ترین ادبی است که درباره آن مطالب فراوانی آمده است و حقیقت نماز با توجه به این ادب محقق میشود و تأثیر نماز نیز که منع از فحشا و منکر است و اختلاف درجه نمازها به همین ادب است. حضور قلب به معنای حاضر بودن جان و روح و قلب انسان همراه با حرکات و ذکر نماز است که در روایات بیشتر به اقبال قلب از آن تعبیر شده است. تفصیل بیشتر این مطلب مطابق روایتهای ائمه علیهم السلام در بخش دوم آمده است و در اینجا بیشتر درباره چگونگی کسب حضور قلب مطالبی آورده میشود امام خمینی رحمه الله با اشاره به موانع حضور قلب و راه علاج آنها می فرماید:

23 آداب الصلاة، ص ۱۶

24 آداب الصلاة، ص ۱۷

25 آداب الصلاة، ص ۲۰

26 آداب الصلاة، ص ۲۱

27 - آداب الصلاة، ص ۲۳

28 آداب الصلاة، ص ۲۴ به نقل از اصول کافی، ج ۳، ص ۱۳۸.

29 آداب الصلاة، ص ۲۵

30 آداب الصلاة، ص ۲۵

31 آداب الصلاة، ص 28

32 آداب الصلاة، ص 31

پس ای عزیز اگر ایمان به آنچه ذکر شد که گفته انبیا علیهم السلام است، آوردی و خود را برای تحصیل سعادت و سفر آخرت مهیا نمودی و لازم دانستی حضور قلب را نمایی و خارهای طریق را از سر راه سلوک ریشه کن کنی و پس از آن اقدام به خود آن کنی.³³

موانع حضور قلب

مانع حضور قلب در عبادات تشتت خاطر و کثرت و ارادت قلبیه است.³⁴ بنابراین نظر امام خمینی رحمه الله، این پراکندگی خاطر و حواس انسان ناشی از دو عامل خارجی و داخلی است.

عامل خارجی یا ظاهری

اغلب از راه حواس ظاهر پنج گانه انسان بر تمرکز خاطر تأثیر می گذارد؛ مثلاً گوش انسان در حالت عبادت بشنود و توجه به آن منشأ تخیل و افکار در مورد آن گردد و همین طور از طریق چشم و... در مورد راه علاج این مشکل، گروهی گفته اند که بهتر است انسان در خانه تاریکی یا محل خلوت نماز بخواند یا در نماز چشم خود را ببندد و در موضعی که جلب نظر می کند، نماز نخواند. امام خمینی رحمه الله به رفع موانع ظاهری بسنده نمی کند بلکه معتقد است باید خاستگاه اندیشه و خیال کنترل شود که همان کنترل قوه خیال و و هم است.³⁵ ولی معلوم است این رفع مانع نکند و قطع ماده ننماید؛ زیرا که عمده نتصرف خیال است که با منشأ جزئی کار خود را انجام می دهد بلکه گاه شود که در خانه تاریک و کوچک و تنها، تصرف واهمه و خیال بیشتر شود... پس قلع ماده کلی به اصلاح خیال و و هم است...³⁶

عامل داخلی یا باطنی

گاهی تشتت خاطر و مانع حضور قلب از امور باطنی است که دو منشأ دارد یکی هرزه گردی و قرار بودن طایر خیال است؛ زیرا که خیال، قوه ای است بسیار فرار که دائماً از شاخه ای به شاخه ای آویزد... و این مربوط به حب دنیا و توجه به امور دنیه و مال و منال دنیوی نیست بلکه فرار بودن خیال خود مصیبتی است که تارک دنیا نیز به آن مبتلا است... منشأ دیگر، حب دنیا و تعلق خاطر به حیثیات دنیوی است که رأس خطیئات و ام الامراض باطنه است که خار طریق اهل سلوک و سرچشمه مصیبات است...³⁷

راه علاج

امام خمینی رحمه الله در علاج این دو مانع باطنی؛ یعنی هرزه گردی خیال و حب دنیا، راه هایی معرفی می کند: بدان که هر یک از قوای ظاهره و باطنه نفس قابل تعلیم و تربیت است با ارتیاض مخصوص؛ مثلاً چشم انسان قادر نیست که به یک نقطه معینه یا در نور شدید مثل نور عین شمس مدتی طولانی نگاه کند بدون به هم خوردن پلک های آن ولی اگر انسان چشم را تربیت کند چنانچه بعضی از اصحاب ریاضات باطنه برای مقاصدی عمل میکنند ممکن است چند ساعت متمادی در قرص آفتاب نظر را بدوزد بدون آنکه چشم به هم بخورد یا خستگی پیدا کند... و از قوایی که قابل تربیت است قوه خیال و قوه واهمه است... و طریق عمده رام نمودن آن عمل به خلاف است و آن چنان است که انسان در وقت نماز خود را مهیا کند که حفظ خیال در نماز کند و آن را حبس در عمل نماید و به مجرد اینکه بخواهد از چنگ انسان فرار کند آن را استرجاع نماید... و این در اول امر کاری صعب به نظر می آید ولی پس از مدتی عمل و دقت و علاج حتماً رام می شود...³⁸

در علاج حب دنیا نیز می فرماید:

علاج این مرض مهلک و فساد خانمان سوز با علم و عمل نافع است اما علم نافع برای این مرض تفکر در ثمرات و نتایج آن و مقایسه کردن بین آنها و مضار و مهالک حاصله از آن است.³⁹

چون معلوم شد که حب دنیا مبدأ و منشأ تمام مفاسد است بر انسان عاقل علاقه مند به سعادت خود لازم است این درخت را از دل ریشه کن کند و طریق علاج عملی آن است که معامله به ضد کند پس اگر به مال و منال علاقه دارد، با بسط ید و صدقات واجبه و مستحبه ریشه آن را از دل بکند... و اگر علاقه به فخر و تقدم و ریاست و استتالت دارد، اعمال ضد آن را بکند و دماغ نفس اماره را به خاک بمالد و اصلاح شود.⁴⁰ پس عزم خود را قوی کن و اراده خویش را محکم نما که اول شرط سلوک عزم است و بدون آن راهی نتوان پیمود و به کمالی نتوان رسید.⁴¹

مراتب حضور قلب

امام خمینی رحمه الله مراتبی را برای حضور قلب ذکر می کند اول مرتبه حضور قلب در عبادات حضور قلب در عبادات است اجمالاً و آن از برای همه کس میسر است و آن چنان است که انسان به قلب خود بفهماند که باب عبادت باب ثنائی معبود است.

33 آداب الصلاه، ص 42

34 آداب الصلاه، ص 42

35 آداب الصلاه، صص 42 و 43

36 آداب الصلاه، ص 42

37 آداب الصلاه، ص 43

38 آداب الصلاه، صص 43 و 44

39 آداب الصلاه، ص 50

40 آداب الصلاه، صص 50 و 51

41 آداب الصلاه، ص 52

مثل طفلی که شعری را در مدح کسی بخواند و اجمالاً بداند که دارد مدح میکند اگر چه معنی جملات را نداند. مرتبه دوم از حضور، حضور قلب در عبادت است تفصیلاً و آن چنان است که قلب عابد در جمیع عبادات حاضر باشد و بداند که حق را به چه توصیف میکند و چطور مناجات میکند و از برای آن مراتب و مقدماتی است بسیار متفاوت... پس یک طایفه هستند که از نماز و سایر عبادات جز صورت و قشر و هیئت ملکی آن چیزی نمی دانند ولی مفاهیم عرفیه اذکار و ادعیه و قرائت را می فهمند... و طایفه دیگر آنانند که حقایق عبادات و اذکار را می فهمند به قدم عقلی و فکری... و این طایفه حضور قلبشان در عبادت آن است که تفصیلاً قلبشان در ذکر این حقایق و... حاضر باشد و بفهمند چه میکنند و چطور ثنا و حمد حق می گویند. و طایفه دیگر آنانند که حقایقی را که با قدم فکری و عقلی ادراک کرده اند با قلم عقل به لوح قلب رسانند و قلب آنها نیز به آن حقایق آشنا شده و ایمان آورده است؛ زیرا که مرتبه ایمان قلبی با ادراک عقلی بسیار فرق دارد ... و طایفه دیگر آنانند که علاوه بر آنکه این حقایق را به قلب رسانده و به مقام کمال اطمینان رسیدند با مجاهدات و ریاضات به مرتبه کشف و شهود رسیده و حقایق را با چشم ملکوتی و بصیرت الهیه به مشاهده حضوریه و حضور عینی دریاوند.⁴² سومین مرتبه حضور قلب حضور قلب در معبود است که خود دارای مراتبی است. بالجمله مرتبه اول حضور قلب در معبود آن است که با علم برهانی عالم را محضر ربوبیت بداند و عبادت خود و جمیع حرکات باطن و ظاهر خود را عین حضور و نفس خود بداند.... مرتبه دوم از حضور قلب در تجلی فعلی مرتبه ایمان و اطمینان است که از تذکر حیب در سر و عن و مناجات با ذات اقدس و خلوت با او حاصل گردد....

پس قلب لذت حضور را دریابد و لذت فیض حضور او را از عبادت غافل کند. سپس از خود و عبادت محجوب شود و از عالم، فانی گردد و به تجلی فعلی مشغول شود و این حال که در حد تمکین رسید و از تلویح خارج شد، کم کم نمونه تجلیات اسمانیه از قلب سالک بروز کند که مرتبه دیگر از حضور قلب در معبود است (مرتبه سوم).⁴³

آداب اقامه نماز در احادیث

بعد از تاکید ائمه علیهم السلام بر اهمیت نماز و امر و نهی درباره آن به آدابی که برای اقامه این فریضه الهی بیان کرده اند، اشاره می شود: امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِذَا اسْتَقْبَلْتَ الْقِبْلَةَ فَأَنْسِ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَالْخَلْقَ وَمَا هُمْ فِيهِ... و اذکر وقوفک بین یدیه یومَ تَبْلُو کُلَّ نَفْسٍ مَا أَسْلَفَتْ⁴⁴ هنگامی که مقابل قبله ایستادی پس دنیا و آنچه را در آن است و خلق و آنچه را به آن مشغولند فراموش کن و یاد آور ایستادنت را در مقابل او پروردگار؛ روزی که هر کس هر چه پیش فرستاده است، آشکار ببیند. همچنین می فرماید:

إِذَا صَلَّيْتَ صَلَاةَ فَرِيضَةٍ فَصَلِّهَا لَوْ قَتَلَهَا صَلَاةٌ مُؤَدَّعٌ يَخَافُ أَنْ لَا يَعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا.⁴⁵ هنگامی که نماز واجبی بگزاری پس آن را در وقتش به جا آور همانند وداع کننده با نماز که می ترسد که دیگر هیچ گاه به او باز نگردد. و در آداب تکبیر می فرماید: چون تکبیر گفتی کوچک شمار در محضر کبریای آن ذات مقدس بین عرش تا فرش را؛ زیرا خداوند تعالی اگر بنده ای را ببیند که تکبیر گوید ولی در قلبش اشکالی است؛ یعنی آنچه به زبان آورده قلب موافقت نکند فرماید: «ای دروغ گو با من خدعه میکنی؟ به عزت و جلال قسم که از شیرینی ذکر خود تو را محروم میکنم و از قرب خود تو را محجوب نمایم و از شرور مناجات خویش تو را محتجب کنم.⁴⁶

در مورد ادب رکوع می فرماید:

فَارْكَعْ رُكُوعَ خَاضِعٍ لِّلَّهِ بَقَلْبِهِ، مُتَدَلِّلٍ وَجِلِّ تَحْتِ سُلْطَانِهِ، خَافِضٌ لِّهِ بِجَوَارِحِهِ خَفِضَ خَائِفٌ حَزَنَ عَلِيٍّ مَا يَفْوُتُهُ مِنَ فَارْتَدِهِ الرَّاكَعِينَ⁴⁷

رکوع کن، مانند رکوع کسی که با قلبش برای خداوند خضوع کند و رکوع کسی که ذلیل و ترسان داخل در سلطنت او شود و با اعضایش برای او فروتنی نماید؛ فروتنی فرد نگران و غم زده بر از دست رفتن فایده های رکوع کنندگان در ادب سجود هم می فرماید:

فَا سِجِدْ شَيْعُودٌ مُتَوَاضِعٌ لِلَّهِ دَلِيلٌ، عَلِمَ إِنَّهُ خُلِقَ مِنْ تُرَابٍ يَطَّاهُ الْخَلْقَ وَ إِنَّهُ أَتَّخَذَكَ مِنْ نُطْفَةٍ يَسْتَقْدِرُهَا كُلُّ أَحَدٍ، وَ كَوْنٌ مَا لَمْ يَكُنْ⁴⁸ پس سجده کن، سجده تواضع کننده ذلیل برای خداوند اینکه بداند او از خاک خلق شده است و او (خدا) از نطفه ای که هر کسی از آن بیزار است تو را پدید آورده و او آنچه را که نبود، هستی داد.

42 اسرار نماز، صص ۱۹ و ۲۲

43 اسرار نماز، صص ۲۴ و ۲۵

44 بحار الانوار، ج ۸۱ ص ۳۶۹ برگرفته از: مصباح الشریعه

45 بحار الانوار، ج ۸۰ ص ۱۰.

46 بحار الانوار، ج ۸۱ ص ۳۶۹

47 بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۵۳۳

48 بحار الانوار، ج ۸۲ ص ۵۴۹

تأویل نماز از زبان امام علی علیه السلام

در کتاب بحار الانوار درباره تأویل نماز روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده است. جابر بن عبدالله انصاری گوید: «با امام علی علیه السلام بودم مردی را دیدم که به نماز ایستاده بود پس به او فرمود: ای مرد آیا تأویل نماز را می دانی؟ مرد گفت: ای مولای من آیا برای نماز غیر از عبادت تأویلی هست؟ فرمود بله قسم به کسی که محمد صلی الله علیه و آله را به نبوت برانگیخت و نبی خود را به کاری برانگیخته نکرد مگر اینکه آن کار را تشابه (متشابه) و تأویل و تنزیلی است و تمام آنها به تعبد و بندگی دلالت دارند. مرد گفت مرا تعلیم فرما که آن تأویل چیست؟ فرمود:

تأویل تکبیر اول برای احرام بستن تو آن است که هنگامی که الله اکبر گفتی به قلب خود خطور دهی که خدا برتر است از اینکه به قیام و قعود برخاستن و نشستن) متصف گردد؛

و در تکبیر دوم به قلبت خطور (دهی که خدا برتر است از اینکه به حرکت و جمود (توقف) وصف شود؛

و در تکبیر سوم از اینکه خدا به جسم یا به دلیل شباهت داشتن به چیزی، قیاس شود، برتر است؛

و در تکبیر چهارم به قلب خود خطور دهی که او برتر است از اینکه چیزی بر او عارض شود یا مرضی او را ناراحت کند؛

و در تکبیر پنجم خطور دهی که خدا برتر است از اینکه به جوهر و عرض وصف شود با آنکه در چیزی حلول کند و یا چیزی در او حلول نماید.

و در تکبیر ششم به قلب خود خطور دهی که خدا برتر است از زوال و انتقال تبدیل (حال) که بر پدیده ها جایز است؛ و در تکبیر هفتم آنکه خدا برتر است از اینکه حواس پنج گانه او را دریابد.

پس تأویل کشیدن گردن در رکوع آن است که در عمق جاننت به خاطر آوری که به تو ایمان آوردم حتی اگر گردن مرا بزنی، سپس سر برداشتن از رکوع هنگامی که میگویید سمع الله لمن حمده الحمد لله رب العالمین، تأویلش آن است که تو کسی هستی که مرا از عدم به عالم وجود آوری و تأویل سجده اول آن است که در حالی که در سجده هستی به خاطر آوری که مرا از خاک آفریدی و سر برداشتن تأویلش آن است که مرا از آن بیرون می آوری.

سجده دوم؛ یعنی مرا به آن بر می گردانی و در سر برداشتن به قلب خود خطور می دهی که مرا بار دیگر از آن خارج می کنی.

و تأویل نشستن بر طرف راست خود در حالت تورک آن است که به قلبت خطور دهی که پروردگارا، من حق را بر پا داشته

و باطل را کنار زدم چون در حالت تورک پای راست بر چپ نهاده میشود و این به معنای اقامه حق و سرکوب باطل است. و تأویل تشهد،

تجدید ایمان و برگشت به اسلام و اعتراف به برانگیخته شدن بعد از مرگ است و تأویل خواندن تحیات تمجید از پروردگار سبحان و تعظیم و

منزه کردن او از آن چیزهایی است که ظالمان میگویند و ملحدان وصفش میکنند و تأویل السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتِهِ، ترحمی است از

پروردگار سبحان و معنایش آن است که این امانی برای شما از عذاب روز قیامت است. هر کس این گونه تأویل نمازش را نداند پس نمازش ناقص است.⁴⁹

فصل دوم: فایده ها و آثار نماز

بی شک، سخن گفتن در مورد فایده ها و آثار واقعی نماز بر روح و باطن انسان جز برای کسانی که حقیقت و معنای نماز را دریافته اند و از برکات آن بهره مند شده اند کاری بس مشکل است. آنچه برای غیر این گروه قابل تشخیص است، پی آمدهای نمازگزاری است؛ یعنی آثاری که برای عموم نمازگزاران معتقد به نماز رخ می دهد. روح و جان نمازگزار هنگام نماز در پرتو انوار و اسرار آن به اصل خویش متصل میگردد و چنان غرق انوار جمال و جلال معبود و معشوق می شود که کون و مکان و هر دو جهان را فراموش میکند. چنان که سرور نمازگزاران حضرت علی علیه السلام به هنگام نماز حتی متوجه بیرون کشیدن تیر از بدن خویش نمی شود؛ تیری که دردش در غیر نماز تحمل ناپذیر بود. این اثر نماز همان کمال الانقطاع است که در مناجات شعبانیه همه امامان آن را درخواست کرده اند:

وَأُزِّرُ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بَضِيَاءَ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَحْرُفَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجْبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعِظْمَةِ وَتَنْصِيرَ أَرْوَاحِنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ .⁵⁰

و چشمان قلب ما را به روشنی نظر کردن به سوی تو روشن گردان تا آنجا که چشمان قلب هایمان حجابهای نور را پاره کند و به معدن

عظمت برسد و متصل گردد و روح های ما به عز قدس تو آویخته گردد. نظر انداختن به دوست و کنار زدن حجابهای نور و رسیدن به منبع

نور فقط در نماز و نیایش رخ می دهد و فقط نمازگزار معنی آن را می داند و بس حافظ می گوید:

در نمازم خم ابروی توام یاد آمد حالتی رفت که محراب به فریاد آمد

بی شک، گستره تأثیر نماز تمام زندگی ظاهر و باطن و دنیا و آخرت است؛ زیرا دنیا و آخرت تمام عرصه حیات انسان است. از این رو نماز را

در دو دسته آثار دنیوی و آثار اخروی برمی شماریم

آثار دنیوی نماز

آثار دنیوی نماز شامل آثار تربیتی اجتماعی جسمانی و فیزیکی است که هر کدام به تفصیل بررسی می شود.

آثار تربیتی نماز

مهم ترین و اصلی ترین اثر نماز که هدف از تشریح نماز است اثر تربیتی آن است و آثار دیگر آن به تبع و دنباله این خاصیت است با تربیت

صحیح رفتارهای اجتماعی و نظم اجتماع و سلامت آن در مسیر سالم و تکامل قرار می گیرد. هدف اصلی آموزه های دین در درجه اول

⁴⁹ بحار الانوار، ج ۸۱ صص ۳۸۴ و ۳۸۵، باب آداب الصلاه ترجمه.

⁵⁰ مفاتیح الجنان، مناجات شعبانیه، ص ۲۱۶.

تربیت، تزکیه و ادب آموزی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیش از تربیت دیگران خود تربیت یافته پروردگار بود: «ادَّبَنِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي» پروردگار مرا ادب (تربیت) کرده پس نیکو تربیتم کرده است.⁵¹ بر خلاف زندگی حیوانی در انسان و حیوان که مراحل رشد آن به اقتضای حکم غریزی صورت می گیرد، حیات واقعی انسانی حالت بالقوه دارد. از این رو انبیای الهی همواره انسان را از خطر گرایش مطلق به زندگی حیوانی باز داشته اند تا استعدادهای بالقوه خود را در رسیدن به کمالات شکوفا سازد.

انبیا مردم را از دنیا باز دارند و تقیید اطلاق شهوت و غضب کنند و تحدید موارد منافع نمایند غافل گمان کند دعوت به دنیا کنند... پس آنها جلوگیری اطلاق هستند نه داعی به دنیا.⁵² یکی از برنامه های تربیتی انبیای الهی نماز است. تمام ادیان الهی و انبیا به دلیل آثاری که نماز بر روح و زندگی فرد می گذارد، عامل و آمر به نماز بوده اند. مهم ترین آثار نماز عبارت است از:

محوریت در عمل انسان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «وَأَعْلَمُ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلْوَتِكَ...»⁵³ امام علی علیه السلام نیز در نهج البلاغه به همین مطلب اشاره کرده است. بر این اساس اعمال انسان تابع کیفیت نماز اوست؛ هر چه نماز صحیح تر انجام گیرد عمل انسان سالم تر است و هر چه نماز صوری و ظاهری باشد عمل او هم متزلزل و بی ریشه خواهد بود. همان گونه که امام خمینی رحمه الله نیز بر این باور است که نماز و انسانیت رابطه متقابل دارند و سعادت و شقاوت هر کس به عمل اوست که تابع نماز اوست.

اثر بازدارندگی از فحشا و منکر

در قرآن کریم به این امر به طور صریح اشاره شده است: «ان الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنكر؛ نماز (انسان) را از فحشا و منکر باز می دارد. (عنکبوت ۴۵)

البته در قرآن به موارد دیگر پی آمدهای نماز اشاره شده است. برای مثال هنگامی که ردایل اخلاقی با نقایص روحی انسان نکوهش می شوند اهل نماز مستثنا می شوند: إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً إِلَّا الْمُصَلِّينَ. (معارج: ۱۹ - ۲۳) به راستی که انسان حریص آفریده شده است هنگامی که او را شری در رسد جزع و بی تابی میکند و هنگامی که خبری به او رسد منع می کند بخیل میشود مگر نمازگزاران (که این گونه نیستند).

ایجاد آرامش روحی و اطمینان

این خاصیت و اثر نماز را می توان به سادگی در چهره و قوت روحی اهل نماز مشاهده کرد؛ زیرا آنان به تناسب بهره مندی از آثار نماز معمولاً در سختی ها و گرفتاریها چهره ای مطمئن و آرام دارند و هیچ گاه در زندگی خویش احساس پوچی و اضطراب ندارند؛ زیرا در سایه ارتباط با مبدأ عالم همواره از او استمداد جسته و در امور زندگی بر او توکل میکنند هر نمازگزار در نمازهای روزانه خویش، ده بار جمله ای که تعبیر و ایاک نستعین را بر زبان می آورد و جان خود را با آن مأنوس می کند.

قرآن کریم به پیامبر خویش می فرماید: واقم الصلاة الذکری؛ نماز را به خاطر ذکر و یاد من به پای دار» (طه: ۱۴) و در جای دیگر می فرماید: «ألا بذكر الله تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ هان، آگاه باشید که دلها به یاد خدا آرام می گیرد». (رعد: ۲۸)

ذکر خدا باعث آرامش دل هاست و نماز ذکر است که این اثر را داراست و فی مناجاتک روحی و راحتی راحتی و آرامش من در مناجات با توست.⁵⁴

مصونیت از ردایل اخلاقی (کبر)

با توجه به احادیث و روایات بسیار و قرار گرفتن کبر در میان دیگر گناهان کبیره میتوان به نقش نماز در مصون کردن انسان از خطر کبر پی برد.

عن حکیم قال سألت ابا عبد الله عليه السلام عن أدنى الإلحاد فقال أن الكبر أدناه.⁵⁵ از حکیمی رسیده است که از امام صادق علیه السلام درباره پایین ترین درجه الحاد و برگشت از حق پرسیدم. پس فرمود: پایین ترین درجه کبر (الحاد) است.

کبر از بزرگ ترین گناهان کبیره است که باعث سقوط انسان از مرتبه قرب الهی میگردد بیشتر گناهان کبیره به نوعی موجب عقوبت و حتی دخول در آتش میگرددند و انسان را بدهکار خدا یا خلق می گردانند ولی صفت کبر نوعی تنازع با صفت ذاتی حق تعالی است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

.... والكبر رداء الله فمن نازع الله عز وجل رداءه لم يزد الله إلا سفالا⁵⁶

⁵¹ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۷۸

⁵² آداب الصلاة، ص ۴۵

⁵³ بحار الانوار، ج ۸۰ ص ۱۳.

⁵⁴ مفاتیح الجنان مناجات المریدین، ص ۱۷۰.

⁵⁵ اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۹، باب کبر، ح ۱۰.

⁵⁶ اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۹، باب کبر، ح ۲.

.... کبر ردای خداوند است هر کس بر سر آن با خدا به منازعه و مقابله برخیزد خداوند جز پستی و خواری چیزی بر او نیفزاید. شیطان با همه تقریبی که در درگاه الهی داشت در اثر یک تکبر از درگاه الهی رانده شد و دچار لعنت ابدی گردید قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ قَالَ فَاحْزُرْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ لَدِينِ. (ص: ۷۶ - ۷۸) شیطان گفت: من از او بهتر برتر) هستم مرا از آتش آفریدی و او را از خاک خدا به او گفت: از آن صف فرشتگان) بیرون شو که تو رانده شده ای و لعنت من تا روز قیامت بر توست. قرآن کریم استکبار و تکبر در عبادت را وعید به آتش داده است: إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَكِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ. (غافر: ۶۰) کسانی که از عبادت من تکبر میکنند به زودی خوار و ذلیلانه داخل جهنم شوند.

نماز حقیقی روح منیت را از نمازگزار می زداید و او را به فقر ذاتی خویش توجه می دهد. نمازگزار، خود و اعمالش را ناچیز می بیند و در قول و فعل خویش هیچ گاه دچار کبر نمی شود و نوع مخلوق را با دیده استقلال و غنا نمی نگرد. در روایات شیعه فلسفه وجوب و تشریح نماز از سوی خداوند دوری از کبر بیان شده است؛ چنان که امام علی علیه السلام می فرماید: فرض الله - الإيمان تطهيراً من الشرك والصلاة تنزيهاً عن الكبر.⁵⁷ خداوند ایمان را برای پاک شدن از شرک و نماز را برای دوری از کبر واجب ساخت. حضرت زهرا علیها السلام نیز به این مضمون اشاره کرده است.

پرورش روحی در سایه ارتباط با خالق هستی

خداوند می فرماید: انا جلیس من ذکرنی؛ من هم نشین کسی هستم که مرا یاد کند.⁵⁸ یکی دیگر از آثار فردی نماز پرورش و ایجاد قوت روحی است که در اثر ارتباط مداوم و مکرر با سرچشمه هستی ظاهر میشود. قرآن می فرماید: او من أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَ هُرَّ كَسٌ مِنْ رُؤْيٍ بِتَابِدِ يَوْمِ يَكْفُرُ بِمَا كَفَرَ وَ هُوَ فِي عَذَابٍ مُتَسَاوٍ. (طه: ۱۲۴) در آیه ای دیگر آمده است:

وَ مَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُفِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ. (زخرف: ۳۶)

اگر کسی از ذکر پروردگار رحمان سر باز زند شیطانی که هم نشین او باشد، بر او می گمارم. همچنین خداوند می فرماید: «وَ مَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا؛ وَ هُرَّ كَسٌ مِنْ رُؤْيٍ بِتَابِدِ يَوْمِ يَكْفُرُ بِمَا كَفَرَ وَ هُوَ فِي عَذَابٍ مُتَسَاوٍ. (نساء: ۳۸)

دوری از ذکر حق انسان را دچار بی هدفی و پوچی می کند؛ زیرا روح انسان به دلیل بعد ملکوتی اش همیشه جویای اصل خویش است: هر کسی که دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

هم نشین انسان بریده از ذکر حق شیطان و هم نشین انسان نمازگزار حق تعالی است. هم نشینی با خدا خواسته فطری هر انسانی است و تنها کسانی آرامش دارند که مطلوب درون خویش را بیابند و او جز خالق هستی نیست.

ابه عرفان فطری انسان ها نظر می اندازیم و گوئیم در فطرت و خلقت انسان امکان ندارد به غیر کمال مطلق توجه کند و دل ببندد، همه جانها و دلها به سوی اویند و جز او نجویند و نخواهند جست و ثناخوان اویند و ثنای دیگری نتوانند کرد...⁵⁹

شش - ثبات روحی

در سایه آرامش و اطمینان روحی حاصل از نماز، انسان دارای روحی پرورش یافته و باثبات می شود. اهل نماز همیشه از خالق خویش درخواست می کنند که از راه و رسوم گمراهان و غضب شدگان درامان باشند:

أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (حمد: ۵-7)

شخص نمازگزار در سختی ها و راحتی ها یک حال ثابت دارد و همه چیز را از ناحیه خالق خود و بر اساس حکمت و خیرخواهی او می بیند و به علم و عدالت او ایمان دارد.

قرآن به نمونه هایی از ثبات روحی نمازگزاران اشاره می کند:

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُضْلِينَ

انسان حریص آفریده شده است، هنگامی که به او شر رسد، جزع و بی تابی می کند و هنگامی که خیر به او برسد منع می کند (بخیل می شود)، مگر نمازگزاران (که چنین نیستند) و همیشه در سختی و فراخی حالی ثابت دارند.

همچنین خداوند یکی از ویژگی های اهل ایمان را این گونه توصیف می کند:

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ (بقره 155 و 156)

آن کسانی که چون مصیبتی بر آنها وارد شود، گویند: ما از خدا هستیم و به سوی او می رویم، بر آنان صلوات و رحمت هایی از پروردگارشان خواهد بود

⁵⁷ نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت ۲۴۴

⁵⁸ اصول کافی، ج ۴، ص ۲۵۵، ج ۴

⁵⁹ ره عشق نامه عرفانی حضرت امام خمینی رحمه الله ، ص ۲۴.